

به نام یگانه هستی بخش

پیاده روی خشچال - شاه سفید کوه

منطقه اجرا: اوان، الموت، قزوین - لاکتراشان، جنت رودبار، رامسر

موقعیت منطقه

روستای اوان در منطقه الموت و به فاصله نیم ساعتی از معلم کلایه قرار دارد. از ابتدای جاده الموت تا روستای معلم کلایه نیز حدود ۲ ساعت با سواری و ۳ ساعت با مینی بوس راه می‌باشد. دره الموت در استان قزوین یکی از زیباترین دره‌های منطقه البرز می‌باشد که دارای دشت‌های بسیار سرسبز است. دره الموت در مقایسه با دره



طالقان دارای دشت‌های بیشتر و طالقان کوهستانی‌تر می‌باشد. مسیر دره الموت از طریق دو راهی در اتوبان تهران-قزوین و یا میدان غریب‌کش قزوین قابل دسترس است. در میانه راه معلم کلایه از روستای رجایی‌دشت نیز عبور خواهید کرد. قبل از معلم کلایه، به دو راهی به سمت چپ وجود دارد که شما رو به دریاچه و روستای اوان و دامنه‌های خشچال می‌رساند.

موقعیت قله خشچال و شاه سفیدکوه

قله خشچال با ارتفاع تقریبی ۴۱۸۰ متر، در رشته کوه‌های البرز غربی و در مرز بین دره الموت و شمال واقع شده است. در شرق قله، پس از گذشتن از قله گی‌چگین به قله سیلان می‌رسیم. از شمال نیز این قله تا شاه سفیدکوه ادامه دارد. این خط الراس، آخرین دیواره ای است که بین دامنه‌های شمالی و جنوبی البرز کشیده شده است.



کوه بلور یا شاه سفیدکوه با ارتفاع ۳۴۳۰ متر در انتهای دره پل رود (دره اشکور) قرار دارد. این کوه مرزی میان رامسر و تنکابن می‌باشد که دو حوضه ی آبخیز رودخانه ی پل رود را از لاکتراشان که از زیرحوضه های رودخانه چالکورد است جدا می‌کند. آخرین روستای دره اشکور که در پای این کوه آرمیده روستای میج و در دره چالکورد رامسر، روستای ییلاقی لاکتراشان می‌باشد. جنس زمین های اطراف بدنه کوه که از سنگ های آذرین

تیره تا سیاه رنگ می باشد، موجب شده این قله با رنگ روشن در پس زمینه ای از سنگ های تیره و سیاه رنگ با چشم انداز سفیدگون پدیدار شود.

ویژگی حیوانی و گیاهی



منطقه خشچال و دره الموت، بیشتر پوشیده از دشت های وسیع و سرسبز می باشد. با گذشتن از مرز خشچال - شاه سفید کوه و نزدیک شدن به دامنه های شمالی، پوشش غالب منطقه جنگلی می شود. کل، بزکوهی، پلنگ، خرس قهوه ای، روباه، شغال، گرگ، گراز، شنگ و گربه وحشی و از طرفی انواع عقاب، شاهین، کبک، فاخته، سبزقا پوشش حیوانی بسیار غنی را برای منطقه ایجاد کرده اند.

در دامنه خشچال انواع گیاهان علفی مانند گون، کنگر، شیرین بیان پیدا می شود. این پوشش در ارتفاعات تا دامنه های سفید کوه وجود دارد. هر چه از شمال سفید کوه به سمت دره سرازیر می شویم چمن زارها بلندتر شده تا به بستر رودخانه برسیم. در بستر رودخانه تا لاکتراشان پوشش جنگلی با درختان کوتاه و بوته های زرشک و آلو می باشد. از گردنه لاکتراشان به بعد پوشش جنگلی با درختان بلند شده و این پوشش تا جنت رودبار و شمال ادامه دارد.

مسیر



مسیر از روستای اوان آغاز می شود. در طول راه، ابتدا به گردنه و سپس قله خشچال صعود کرده و پس از پشت سر گذاشتن قله حرکت خود را به سمت شمال تا پلهم دشت ادامه می دهیم. پس از گذشتن از گردنه پلهم دشت، به گردنه دوهزار رسیده و با پشت سر گذاشتن دره به یال شرقی شاه سفید کوه می



رسیم؛ با صعود به این قله از دامنه شمالی به سمت دریاچه زیر قله رفته و سپس در راستای جریان آب تا میان دشت پیش می رویم. با رسیدن به بستر دره، آرام آرام مسیر جنگلی شده تا اینکه به روستای ییلاقی لاکتراشان برسیم.



دو مسیر برای رسیدن به خشچال وجود دارد. یک مسیر از راه معدن با یک جاده خاکی کمی قبل از دریاچه اوان آغاز می شود. این مسیر ما را بعد از ۷ ساعت صعود به معدن جبهه جنوبی خشچال می رساند که ارتفاع آن تقریباً ۳۳۰۰ متر می باشد. می توانید تا معدن رو به کمک ماشین هم بروید. از معدن تا گردنه W شکل خشچال که در سمت غرب قله قرار دارد حدود ۲ و نیم ساعت راه است. مسی دیگر از دره کوچال و چشمه گلپری می باشد. بعد از حدود ۳ ساعت

حرکت در دره به یک چشمه می رسیم. حدود ۲ ساعت بعد به گوسفندسرای هسیج می رسیم که مکان نسبتاً صاف و بزرگی می باشد. از اینجا تا گردنه خشچال که روی خط الراسی قرار می گیریم که دامنه شمالی و

جنوبی البرز از آنجا معلوم است، حدود ۵ ساعت راه است. مسیر دره در انتهای دره برای آمدن روی یال، دارای شیب تندی می باشد. یک گزینه برای شب مانی روی گردنه خشچال می باشد که البته آب در حدود ۳۰ دقیقه قبل از گردنه قرار دارد.



از گردنه خشچال مسیر به سمت شرق ادامه می یابد تا بعد از ۱ ساعت و نیم به زیر ستون های خشچال می رسیم که محل مناسبی برای شب مانی است آب خوبی هم می توان پیدا کرد.

از خشچال به سمت شمال مسیر خود را ادامه می دهیم. در این قسمت مسیر باید دامنه کوه را تراورس کنیم (دره در سمت چپمان قرار می گیرد) تا بعد از ۲ ساعت و ۱۰ دقیقه، با گذر از منطقه ای به نام پلهم دشت به گردنه پلهم دشت می رسیم (گردنه در شرف پلهم دشت قرار دارد). قبل از رسیدن به گردنه مسیری کماکان دامنه کوه را تراورس می کند؛ این مسیر به روستای میج در اشکورات می رود. مسیر گردنه در ۱۵ دقیقه ای گردنه از این مسیر جدا می شود. قبل از اینکه مسیر جدا شود، یک چشمه بسیار گوارا در مسیر وجود دارد که



مکان مناسبی برای شب مانی ایجاد کرده است. این مکان یک گوسفند سرا برای دامداران دامنه شمالی خشچال می باشد.

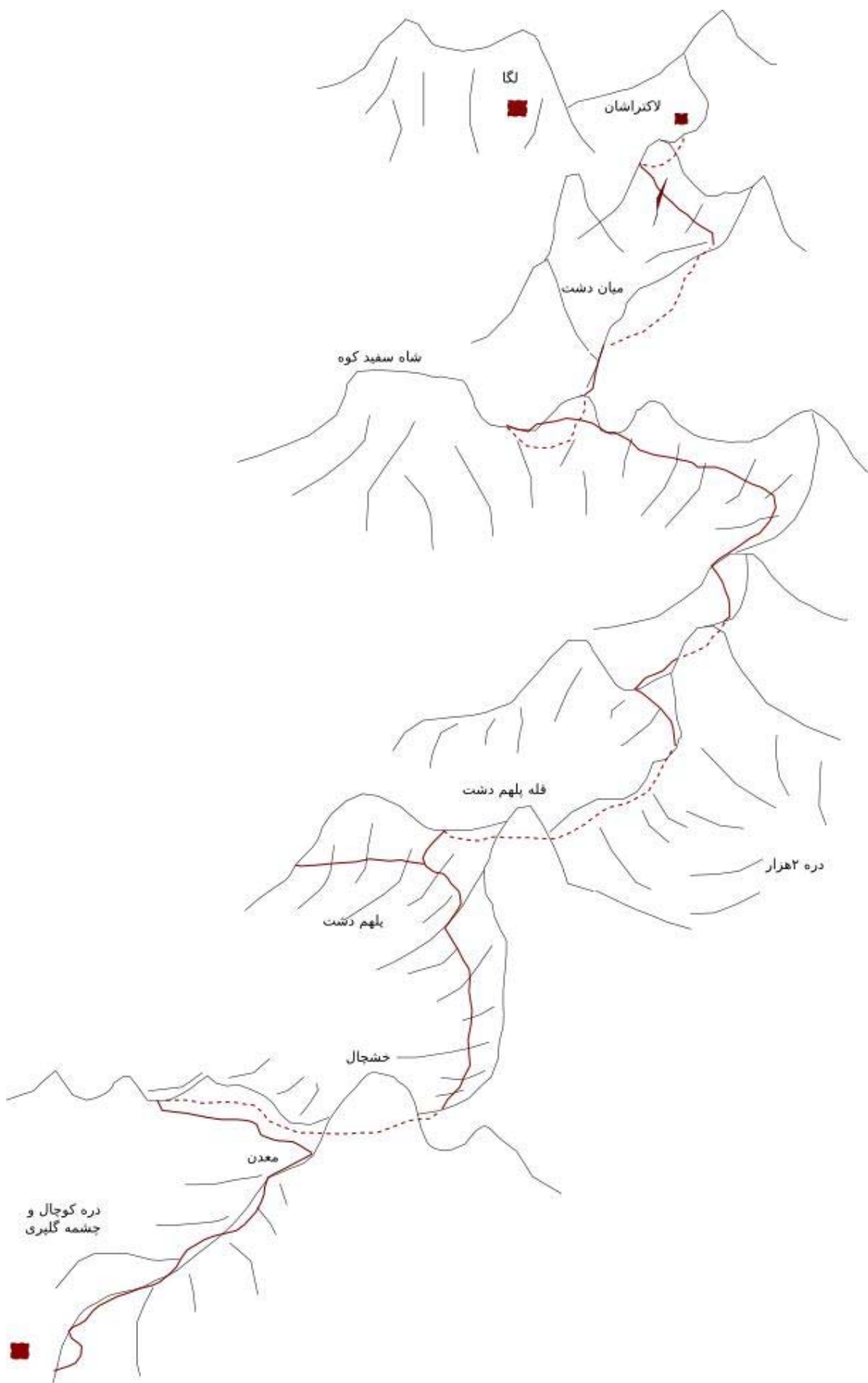
پس از گذر از گردنه پلهم دشت، در سمت شمال دره ای قرار دارد که باید به سمت شرق دامنه آن را تراورس کنیم تا بعد از ۱ ساعت به گردنه ۲ هزار برسیم. نمای دره ۲ هزار از روی این گردنه زیبایی مسیر را دوچندان می کند. بعد از گردنه دو هزار با کمی طی مسیر، دره دیگری نمایان می شود، با گذر از این دره و با طی مسافتی در حدود ۳ ساعت به گردنه شرقی شاه سفید کوه می رسیم. قبل از این گردنه نیز دو قله به صورت ۷ شکل در شرق قله قرار گرفته اند. از روی گردنه شاه سفید کوه تا قله حدود ۴۵ دقیقه صعود لازم است.



در سمت شمال شرقی شاه سفید کوه و پشت گردنه، یک گوسفند سرا قرار دارد که محل مناسبی برای استراحت و یا شب مانی می باشد؛ در این مکان نیز آب مناسبی برای استفاده قرار دارد ولی باد تندی در این دامنه می وزد.

در زیر قله یک دریاچه کوچک درست شده که ادامه مسیر ما به سمت آن است. با عبور از گوسفندسرا و حرکت به سمت دره، پس از ۳ شیب تند، با کم کردن حدود ۶۰۰ متر از ارتفاع، به بستر دره خواهیم رسید؛ مسیر پوشیده از بوته های گل و علفزارهای بلند که به میان دشت مشهور می باشد. در طول مسیر در اطراف، کلبه های چوپان ها دیده می شود.





آرام آرام نشانه هایی از جنگل های شمال در مسیر نمایان می شود تا اینکه بعد از ۱ ساعت و ۴۵ دقیقه به



روستای ییلاقی و زیبای لاکتراشان می رسیم. این روستای زیبا و بکر، با رعایت احوال ساکنان، مکان شب مانی مناسبی می باشد. برای رسیدن به روستای لاکتراشان در نزدیکی های روستا، حدود ۴۵ دقیقه از بستر رودخانه جدا می شویم و با ارتفاع گرفتن به روستا می رسیم. پاکوب دیگری ما را در نزدیکی بستر رودخانه نگاه می دارد که در این صورت با رسیدن به یک پل چوبی، قبل از رد شدن از پل با ارتفاع گرفتن خود را به روستا برسانیم.

اگر از روستای لاکتراشان به سمت بستر رودخانه حرکت کنیم، بعد از ۳۰ دقیقه به بستر رودخانه می رسیم و با رد شدن از پل و ارتفاع گرفتن مجدد، پس از ۱ ساعت و ۱۵ دقیقه به روستای لگا می رسیم. از اینجا جاده ای خاکی با پیچ و خم فراوان در انبوه درختان بعد از ۲:۳۰ ساعت (۳۵ کیلومتر)، ما را به جنت رودبار می رساند. از جنت رودبار جاده آسفالت شده و بعد از ۲ ساعت (۴۰ کیلومتر) به مسیر اصلی شمال، دقیقا بین دو شهر رامسر و تنکابن می رسیم.

مکان های مناسب برای شب مانی

روستای اوان

گوسفندسرای هسیج

گردنه خشچال

دامنه شمالی خشچال، بعد از گردنه (آب برفچال هم دارد)

پلهم دشت (چشمه دارد و معمولا عشایر هم در منطقه حضور دارند)

کلبه روی شاه سفید کوه (تا ۳۰ نفر گنجایش دارد و آب خوراکی و دستشویی هم وجود دارد)

روستای لاکتراشان یا لگا

ارتفاعات مسیر

دریاچه اوان ۱۸۰۰ متر.

گردنه خشچال ۳۷۰۰ متر.

قله خشچال ۴۱۸۰ متر.

گردنه پلمم دشت ۳۲۰۰ متر.

قله پلمم دشت ۳۵۳۰ متر.

گردنه ۲ هزار ۳۲۵۰ متر.

قله شاه سفید کوه ۳۴۳۰ متر.

گردنه شاه سفید کوه ۳۳۰۰ متر.

میان دشت ۲۴۰۰ متر.

روستای لاکتراشان ۲۰۰۰ متر.

روستای لگا ۲۱۰۰ متر.

جنت رودبار ۱۵۰۰ متر.

برنامه در تاریخ ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ تیر ۱۳۸۸

اعضای شرکت کننده در برنامه

محمد مهیننی (سرپرست)، حامد احسانی نژاد (مسئول فنی)، مهرداد فرج تبار، مرتضی ثقفیان (مسئول غذایی)، بنیامین تختایی، سید امیر حسینی، نیما پوردامغانی، حسام الدین اخلاق پور، داوود جرجانی، حسین فضائلی

۵شنبه ساعت ۴:۳۰ از کرج توسط یک دستگاه ون به سمت الموت حرکت کردیم. سر گردنه الموت به قهوده خونه هست که طبق سنت قدیمی دو پرس دیزی همگی با هم خوردیم. تا برسیم به الموت ساعت ۹:۳۰ شده بود.

جمعه صبح ساعت ۶:۱۵ دقیقه به سمت جایی که می خواستیم صعود بکنیم رفتیم. یک جاده خاکی که در خلاف جهت جاده اصلی شروع می شود. این جاده کمی قبل از نمایان شدن دریاچه اوان در مسیر دریاچه شروع می شود. کمی بعد روی یالی می افتد که از روی آن در سمت راست یال اوان و در سمت چپ آن معلم کلایه معلوم است. ساعت ۶:۴۵ شروع به حرکت کردیم، تا ۱۰:۱۰ برای صبحانه توقف کردیم. در داخل مسر هیچ چشمه ای که بتوان از آن استفاده کرد پیدا نشد. بعد از خوردن صبحانه با یکی از کامیون هایی که به سمت معدن می رفت تا معدن رفتیم؛ اینطوری حدود ۲:۳۰ از برنامه جلو افتادیم. ساعت ۱۱:۴۰ دقیقه معدن بودیم. نزدیک معدن چشمه ای هستش که کارگرا از اون استفاده می کنند. تا بچه ها بطری هاشون رو پر کنند و آماده بشن ساعت ۱۲:۴۰ دقیقه شد و به سمت گردنه خشچال حرکت کردیم. قله با عظمت خود در جلوی چشمانمان خودنمایی می کرد. بخاطر نبود وقت، ریسک نکردیم و تصمیم گرفتیم که قله رو نزنیم. به این ترتیب تا ساعت ۲:۴۰ دقیقه حرکت کردیم تا نوبت به ناهار رسید. بعد از خوردن ناهار و یه چرت کوتاه ساعت ۴:۳۰ دقیقه به سمت گردنه حرکت کردیم تا اینکه ساعت ۵:۱۵ به گردنه خشچال رسیدیم. دیگه دره اشکورات به سمت شمال غرب کشیده شده و در انتها زیر ابرها پنهان شده بود؛ اولین روستاهای این دره که از روستای میچ شروع می شود رو می شد تقریبا دید. در روبروی خودمون هم شاه سفید کوه با قله پهن خودش مشخص بود. بعد از اینکه کمی عکس گرفتیم، ساعت ۵:۴۰ حرکت کردیم تا اینکه ساعت ۶:۱۰ به زیر ستون های محکم و استوار خشچال رسیدیم. در بین این ستون ها آبخار بلندی نیز خودنمایی می کرد که در زیر برفچال ها گم می شد. جای مناسبی برای زدن کمپ پیدا کردیم و شب رو همونجا خوابیدیم. شب باد بسیار شدیدی می اومد؛ خوشبختانه تا صبح مشکل خاصی برای چادرها پیش نیومد.

شنبه صبح ساعت ۵ بیدار شدیم تا ۶:۳۰ شروع به حرکت کردیم. تا ۷:۴۵ حرکت کردیم؛ مسیری که مشخص بود به سمت میچ می رفت و این در حالی بود که قصد ما حرکت به سمت شاه سفید کوه بود؛ با بررسی منطقه و نقشه توپوگرافی مسیر خودمون رو به سمت گردنه پلهم دشت پیدا کردیم تا اینکه ساعت ۸:۴۰ دقیقه روی

گردنه بودیم و یکبار دیگه تونستیم در روبروی شاه سفید کوه قرار بگیریم. روی گردنه صبحانه خوردیم و ساعت ۹:۳۰ به حرکت خودمون به سمت شرق ادامه دادیم تا اینکه ساعت ۱۰:۳۰ به گردنه ۲ هزار رسیدیم. دره ۲ هزار و قله سیالان از این نما بسیار زیبا بود؛ دشت و بعدش هم جنگل و آرام آرام همه چیز توی ابرها گم می شد. مدتی طول کشید تا توانستیم از این مناظر دل بکنیم تا اینکه به سمت شاه سفید کوه حرکت کردیم و ساعت ۱:۳۰ به گردنه سفیدکوه رسیدیم. باز هم تصمیمی گرفتیم که به سمت قله حرکت نکنیم و واقعا تصمیمی بود که در نهایت به نفعمان تمام شد، چون تنها یک ربع تا تاریکی هوا فاصله داشتیم که به لاکتراشان رسیدیم. به هر حال ساعت ۱:۴۵ دقیقه داخل دشت (گوسفندسرا) سمت شمال شرقی قله ناهار خوردیم. بعد از یه استراحت خوب ساعت ۴ به سمت دره سرازیر شدیم؛ شیب بسیار تند شده بود ولی مسیر اینقدر زیبا بود که ما رو مبهوت خودش کرده بود. در بین مسیر در سمت چپ، کلبه های زیادی از چوپانان و عشایر منطقه دیده می شد و البته گله های گوسفند و اسبی که انگار محیط رو متعلق به خودشون می دونستند. بالآخر ساعت ۶:۲۰ دقیقه به بستر دره رسیدیم. خیلی خسته بودیم به همین خاطر یه استراحت ۳۰ دقیقه ای کردیم و بعد به راه ادامه دادیم. مسیر آرام آرام جنگلی می شد: جنگی از درختان کوتاه و بته های زرشک و آلو. در نهایت حدود ساعت ۷:۴۵ دقیقه به سراشیبی رسیدیم که از بستر رودخانه جدا می شد و ارتفاع می گرفت تا اینکه ساعت ۸:۳۰ به روستای لاکتراشان رسیدیم. دیدن روستای لگا حدودای ساعت ۸:۱۰ در دامنه کوه سمت چپی خیالمون رو از رسیدن به روستا تقریبا راحت کرده بود؛ چون تقریبا می دونستیم که لگا و لاکتراشان در یک موازات قرار دارند؛ وقتی حدود ساعت ۸:۲۵ روستا رو دیدیم بسیار خوشحال شده بودیم که چقدر خدا مهربونی کرد و ما به تاریکی نخوردیم. اول روستا یک چشمه است که جدا با خوردن از آبش یه جون تازه گرفتیم؛ واقعا آب های شهر هم دیگه خوردن ندارند!

۱شنبه صبح ساعت ۷ دیگه بیدار شده بودیم. هوا واقعا عالی بود. منطقه بسیار زیبا؛ به سمت دره با یکی از اهالی حرکت کردیم. از یک پل چوبی گذشتیم، دوباره ارتفاع گرفتیم و در نهایت ساعت ۱۰ به روستای لگا رسیدیم. طبیعت این دو روستا تقریبا مانند همه. از لگا مسیر خاکی شروع می شه؛ همچین هر روز یه وانت از لگا حدودای ساعت ۱۲ انگار به سمت تنکابن حرکت می کنه که می شه با اون برگشت. توی لگا روستاییان مهربان و مهمان نواز ما رو برای صبحانه دعوت کردند و پذیرایی کردند که در خور مرام و معرفتشون بود. بالآخر ساعت ۱۲ با یه مینی بوس که فهمیدیم با هماهنگی اهالی روستا در شب قبل برای ما اومده بود تا نزدیکای ایستگاه شغالان رفتیم؛ ایستگاهی که دیگه فقط اسمی ازش باقی مونده. اونجا دوست خوبمون حمید آقا با ونش منتظر ما بود و از همونجا به سمت تنکابن حرکت کردیم. در بین راه توی روستای جنت رودبار که نسبتا روستای بزرگی هم هست و مغازه و تجهیزات مناسبی داره نماز خوندم و مقداری ماست و پنیر برای نهار خریدیم تا اینکه بعد از خوردن ناهار توی جنگل حدود ساعت ۶ بعدازظهر لب ساحل آرام دریای خزر بودیم.

امیدوارم که بشه تا سال های سال از این مناظر و مسیرهای زیبا استفاده کرد و بتونیم از همه این طبیعت به یاد ماندنی مثل یک امانت بزرگ محافظت کنیم.

نویسنده گزارش: محمد مهینی

آدرس ایمیل: m.mahini@gmail.com (مشتاق برای دریافت نظرات)